

به فارسی ترجمه شد و حتی لغتنامه‌های فارسی برای آن فراهم آمد. به این ترتیب بی‌اغراق ایرانیان را در این زمینه، همچون دیگر زمینه‌ها، باید سرمشق دیگر اقوام مسلمان به شمار آورد.

ورود خط و زبان عربی و قرآن که در هر حال زبان فاتحان بود، طبعاً بر روی خطوط و زبان‌های بومی ایرانی تأثیر شگرف گذاشت و از رهگذر آمیختگی زبان عربی با این زبان‌ها به تدریج زبان فارسی جدیدی متولد شد که تا عصر ما به حیات سرزنده خود همچنان ادامه می‌دهد. در همین حال و هواست که قرآن که کتاب دین و عاطفه و اندیشه است نقش ضمیر و ذکر شبانه‌روزی مسلمانان می‌شود و نه تنها تک‌تک واژگان آن که بسیاری از عبارات و آیات و امثال و خصوصیات آن صراحتاً یا کنایتاً زبان‌زد قوم ایرانی و فارسی‌زبانان می‌گردد. البته دامنه تأثیر قرآن بر لایه‌های مختلف فرهنگی قوم ایرانی بسی بیش از تأثیر و نفوذ صرف زبانی است، و این مهمی است که محتاج تحقیقات وسیع مردم‌شناختی است؛ کاری که هنوز انجام نشده است.

باری آقای محسن معینی، مؤلف کتابی که اینک در صد معرفی آن هستیم: فرهنگ امثال و تعابیر قرآنی (تهران ۱۳۹۲)، با شور و شوقی آغشته به ایمان دینی و ذوق و ظرافت ادبی و تتبع شگرف علمی در بطون متون مختلف فارسی، همت خود را مصروف نشان‌دادن این آمیختگی فرخنده قرآن با زبان و لاجرم جان و جهان ایرانی در حوزه نظم و نثر فارسی و زبان گفتگوی

## فرهنگ‌نامه‌ای قرآنی از لون دیگر

اسماعیل باغستانی



روزمره فارسی‌زبانان کرده و حاصل قریب به یک دهه جستجوی خود را در قالب یک فرهنگ‌نامه هشتصد صفحه‌ای با حدود بیش از دوهزار مدخل توأمأ در اختیار قرآن‌دوستان و ادب‌دوستان قرار داده است، دست مریزاد.

مؤلف در پیش‌گفتار کوتاه خود، روش کار و تنظیم اثر را توضیح داده و از جمله یادآور شده که: «تا اندازه‌ای کتاب کوچکی تألیف احمد شاملو و فرهنگ فارسی عامیانه تألیف ابوالحسن نجفی، الگوی تألیف این کتاب بوده...» (ص ۳). مواد کتاب هم بر اساس ترتیب حروف الفبا تنظیم یافته و البته در این تنظیم «الف» تعریف جزء کلمه محسوب شده و مثلاً «الحمد» در باب «الف» آمده نه «ح». اهم مندرجات کتاب هم به قرار ذیل است: تمام یا قسمتی از آیات و ترکیبات قرآنی که در متون نظم و نثر فارسی کهن و جدید به عنوان ضرب‌المثل مورد استشهاد قرار گرفته؛ آیات یا عباراتی قرآنی که در زبان عامه یا اهل علم و ادب حکم مثل را پیدا کرده؛ ضرب‌المثل‌هایی که بر اساس آیه یا عبارتی قرآنی یا اسامی قرآن و سور آن در زبان فارسی به وجود آمده است؛ الفاظ و اسامی و مفاهیم کلیدی قرآنی با بار دینی رایج در زبان فارسی.

کتاب با مدخل «آب کوثر» آغاز می‌شود که ارجاع شده است به «الکوثر»، و واپسین مدخل کتاب یک مثل است: «یهودی هرچه در توبره دارد در مابقی هم تصور می‌کند»، که ارجاع شده به مدخل «یهودی». به جای توضیح اضافی، برای آشنایی خوانندگان

زاهد ار رندی حافظ نکند فهم چه شد  
دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند

وحی محمدی در جامه قرآن کریم، از هنگام طلوع در مکه تا عصر ما، قرن‌هاست که نقش ضمیر و ذکر شبانه‌روزی و خلوت و جلوت میلیون‌ها میلیون انسان عالم و عامی در پهنه‌ای به وسعت از هند تا شمال آفریقا و بخشی از اروپا بوده است. میلیون‌ها میلیون تن در طول تاریخ، و در حال حاضر جمعیتی بیش از یک میلیارد و نیم مسلمان، به رنگ‌ها و نژادها و زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف دل‌مشغول انس و فهم کلام الهی‌اند و بی‌دریغ سرمایه‌های مادی و معنوی خود را در سر این کار می‌کنند: از روخوانی و خوش‌خوانی بگیرد تا خوشنویسی و ترجمه و تفسیر و عرضه چاپ‌های گونه‌گون از آن.

در میان اقوام مسلمان، اما ایرانیان فارسی‌زبان مقام و مرتبه ویژه‌ای دارند. ایرانیان، از همان قرون نخستین بعد از اسلام، از آنگاه که در کمند جذبۀ قرآن کریم گرفتار شدند بی‌آنکه با این وحی جدید احساس غریبگی کنند با آغوش باز آن را پذیرفتند و همه توش و توان و استعداد ذهنی و فرهنگی غنی خود را با اخلاص و پشتکاری بی‌مانند مصروف درک و فهم این پیام تازه‌ای الهی کردند. بدین‌گونه مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کتاب‌های راهنمای فهم قرآن، اعم از لغتنامه‌ها و تفسیرهای خرد و کلان بی‌شمار به زبان عربی پدید آمد و در پی آن قرآن به انواع مختلف



به اختصار نمونه‌ای از هر نوع مدخل ذکر می‌کنیم:

**تعبیر** — الله أعلمُ حیثُ یجعلُ رسالتَه (بخشی از انعام: ۱۲۴)، نمونه: «و بر جهان آفرین خود موضع ترشح و استقلال پوشیده نماند، الله اعلم حیث یجعل رسالتَه» (کلیله و دمنه، ۴۱۵)؛ «ایشان گفتند: ای شاه تخت رخا، ای رستم رخس صبا وسایل و کید و شوافع مهید ما ال کرم عمیم سلیمان ذوملک تفقد طائراً نباشد باری سبحانه و تعالی این لطایف به هرزه کس را ندهد، الله اعلم حیث یجعل رسالتَه» (دستور الوزاره، ۱۰۳).

**ضرب‌المثل** — ان احسنتم احسنتم لانفسکم (بخشی از اسراء: ۷)، نظیر: هرچه کنی به خود کنی گر همه نیک و بد کنی/ کس نکند به جان تو آنچه تو خود به خود کنی، نمونه: «به یقین داند که داور بی‌نیاز، اجر جزیل عمل جمیلش را به مقتضای ان احسنتم احسنتم لانفسکم باز در کنار او می‌گذارد» (دستور شهریاران، ۱۷۸).

**مفهوم قرآنی** — جن: موجوداتی نامرئی که در قرآن بارها از آن‌ها در آیات مختلف و در بیشتر موارد همراه انس (آدمیان) یاد شده ... نمونه‌هایی از انعکاس آن در فرهنگ ایرانی: به عقل جن نرسیدن، جن بو داده، جن پاره دوز تسخیر کرده، جن کم بود یکی هم از دیوار پرید، جن‌هایش رفتند.

**مفهوم قرآنی** — جهنم: دوزخ، جایگاه موعود گناهکاران که ۷۷ بار در قرآن به کار رفته. نمونه‌هایی از انعکاس آن در فرهنگ

گزیده خواندنی‌ای از متون نظم و نثر فارسی است با محوریت قرآن. هر صفحه این کتاب را که باز کنید به نکته و دقیقه‌ای قرآنی برمی‌خورید که از صافی ضمیر و زبان یکی از شاعران و نویسندگان مشهور و نامشهور زبان فارسی بیرون تراویده است. وانگهی، با وجود کتاب‌ها و مقالات متعددی که در سال‌های اخیر در باب تأثیر قرآن بر ادب فارسی نوشته شده است، فرهنگ امثال و تعابیر قرآنی از این پس می‌تواند منبع اصلی و دمدستی دانشجویان و معلمان ادبیات فارسی در این زمینه باشد، زیرا که کل الصید فی جوف الفراء.

مروری کوتاه بر فهرست منابع مؤلف (ص ۷۸۷-۸۱۵)، گستره پهنای متونی را که وی به آن‌ها مراجعه کرده نشان می‌دهد. در این میان با تعجب ملاحظه می‌کنیم که مخصوصاً در متون نظم و نثر معاصر، اعم از سفرنامه و سرگذشت و مقاله و شعر نو و کهنه نیز به نوعی امثال و تعبیرات و واژگان قرآنی مجال انعکاس یافته است. مؤلف در این زمینه به نوشته‌ها و سروده‌های مشاهیری چون دهخدا و صادق هدایت و جلال آل‌احمد و هوشنگ ابتهاج و نادر نادریور و ملک‌الشعرا بهار و شفیعی کدکنی و محمد علی جمال‌زاده و عبد‌الله مستوفی و فروغ فرخزاد و احمد شاملو و عارف قزوینی و قیصر امین پور و... استناد و استشهاد کرده است.

سعی و استقصای مؤلف البته منحصر به گردآوری امثال و تعبیرات و ترکیبات و عبارات قرآنی به کار رفته در زبان فارسی

است، لیکن دامنه نفوذ قرآن در زبان فارسی و وجوه گونه‌گون فرهنگ ایران بسی بیش از این‌هاست. نگاهی به متون نظم و نثر فارسی در گذشته و حال و حتی توجهی اندک به زبان جاری فارسی نشان می‌دهد که چه بسیار از مفردات قرآنی که به این زبان راه یافته و حتی هم اینک استعمال می‌شود، بی‌آنکه به منشأ قرآنی آن‌ها التفات شود. البته استطراداً یا غفلتاً پاره‌ای از این مفردات به این فرهنگنامه هم راه یافته ولی تعداد آن‌ها زیاد نیست و امید می‌رود که مؤلف این مهم را نیز عهده‌دار شود و فرهنگی از واژگان قرآنی مستعمل در زبان فارسی با ادله و شواهد کافی فراهم آورد. ان شاء الله.

این مختصر نوشته را که در مجالی اندک فراهم شد و به هیچ وجه حق کتاب را نه به لحاظ توصیفی و نه به جهت انتقادی ادا نمی‌کند با ایباتی از رودکی خاتمه می‌دهم که نمایشگر تأثیر قرآن بر سرآغازهای شعر بعد از اسلام ایران است:

نگارینا شنیدستم که گاه محنت و راحت

سه پیراهن سلب بوده است یوسف را به عمر اندر

یکی از کید شد پرخون، دوم شد چاک از تهمت

سوم یعقوب را از بوی روشن کرد چشم تر

رخم ماند بدان اول، دلم ماند بدان ثانی

نصیب من شود در وصل آن پیراهن دیگر؟

ایرانی: از جهنم باد خنک می‌وزد، به جهنم، به جهنم فرستادن، پای جهنم ایستادن/نشستن، توی جهنم هم جای پولدارها سواست، جلو در جهنم نشستن، جهنم دره و ...

عموم مدخل‌های کتاب خواندنی است اما بعضی، به لحاظ وجود مواد بیشتر یا تتبع بیشتر مؤلف پرمایه‌تر از بقیه است. یکی از خواندنی‌ترین و پرمایه‌ترین و در عین حال طولانی‌ترین مدخل‌های کتاب خود مدخل «قرآن» است (ص ۴۶۲-۴۷۵). مؤلف در این مدخل نخست کارکردهای قرآن را در جامعه با ادله و شواهد فراوان نشان می‌دهد و سپس به بیان مضاف و منسوب‌ها و ضرب‌المثل‌هایی که لفظ قرآن در آن‌ها به کار رفته می‌پردازد مانند: پیراهن قرآن، ختم قرآن، قرآن سرگرفتن، سی پاره قرآن، قرآن به کمر زدن و امثال آن‌ها. در همین حال و هوا مدخل‌های: «بسم الله»، «عیسی»، «قل هو الله»، «قل هو الله احد»، «موسی»، «یوسف» و متعلقات و مضاف و منسوب‌های آن‌ها بسیار خواندنی است.

مواد مورد استشهاد در فرهنگ امثال و تعابیر قرآنی اگر به صورت تاریخی و قرن به قرن تنظیم و در نظر گرفته شود دست‌مایه بسیار خوبی در اختیار فرهنگ‌شناسان و مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان برای مطالعاتی از این دست قرار می‌دهد. از این گذشته کتاب حاضر صرف‌نظر از جنبه فنی فرهنگنامه‌ای،

